روزنامه طلوع

تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۹۸ چهارشنبه

صفحه ۶ | شماره ۲۵۵۷ | سال بیست و پنجم

ادبی و هنری

مهناز آهوان

کار هر روزم این است که از پشت پنجره آمدنش را دنبال کنم.
آسمان امروز هم ابری و دلگیر است. بغض می کند اما نمی‌بارد. بوی سیگارش قبل از صدای سرفه‌هایش می‌رسد، این دود هر روز او را به رفتن نزدیک می کند و او با شتاب به طرفش می‌دود، سرطان بهانه است، تصمیم به ماندن ندارد. درست شبیه این ابرها که همراه باد از آسمانی به آسمان دیگر پر می کشند. از فکر پر کشیدنش قطره‌ای صورتم را خیس می کند، دستانی به دورم حلقه می‌شود و خس خس سینه‌اش نوید بودن می‌دهد و باز هم بغضی در گلو می‌ماند و نمی‌بارد.

## چی بخورم؟

عرشیا کریمی

روی تخته‌سنگی نشسته بودم و اطرافم را نگاه می‌کردم. روباه خرگوشی را شکار کرد و خورد. برایم چندش‌آور بود. با خودم گفتم: برای چی حیوانات به یکدیگر صدمه می‌زنند؟! پرواز کردم و به خانه برگشتم. پدر و مادرم خرگوشی را شکار کرده بودند. باز مثل همیشه غر زدم و گفتم: من نمی‌خورم. مادرم به پرطلا و تیزبال غذا داد. با ناراحتی به من نگاه می‌کرد؛ از لانه بیرون رفتم و مثل گنجشک‌ها و چکاوک‌ها در مزرعه گندم می‌خوردم. آنها به من می‌خندیدند. آخه عقاب گندم خوار ندیده بودند. بعضی وقت‌ها پیش خرگوش‌ها ساقه گیاهان را نوک می‌زدم و همیشه گرسنه بودم تا اینکه عقاب سفید مرا دید. کنارم نشست و گفت: پدرت گفته بود اما من باور نمی‌کردم. تیزچنگال! به سرزمین جنوب برو و زندگی حیوانات آنجا را ببین. از پدر و مادرم خداحافظی کرده و به سمت جنوب پرواز کردم. حیوانات زیادی را دیدم. ببر، پلنگ، فیل، شتر، طوطی، راسو، شاهین، جغد. برایم جالب بود هر کدام غذای متفاوتی می‌خوردند. رفتم تا به جنگلبانی رسیدم؛ او گفت: خدا همه مخلوقاتش رو یه جور نیافریده؛ اگه شما حیوونای کوچیکتر رو نخورین زیاد میشن و جنگل رو نابود میکنن. در سفری که داشتم خیلی چیزها یاد گرفتم. به لانه برگشتم و از پدرم شکار کردن را یاد گرفتم.

## سیاه چادرنشین‌ها

فاطمه غلامی

خورشید درخشان‌تر از هر روز می‌تابد؛ گویی او هم می‌داند امروز چه روزی‌ست که این‌چنین گیسوی طلایی‌اش را بر پهنای آسمان بازکرده. آسمان همچنان باوقار ایستاده و خبری از بادهای پریشان دشت و صحرا نیست. خوشحالم که امسال نیز می‌توانم نظاره‌گر این‌همه زیبایی باشم. زنان ایل امروز وظیفه سنگین‌تری دارند چون علاوه بر کارهای روزانه باید راه و رسم زندگی عشایری را به ما یاد بدهند. زنان و مردان ایل لباس‌هایی بر تن دارند که تنوع رنگ و تزئیناتی که در دوخت آنها استفاده شده چشم را خیره می کند. وقتی وارد جشنواره شدیم؛ ده‌ها سیاه چادر بود که عشایر در آن زندگی می‌کردند. از همان چادر اول؛ یکی مشغول پخت نان بود، یکی مشک را در دست داشت و بی‌قرار تکان می‌داد، یکی مشغول ریسیدن پشم‌ها بود تا قالیچه دستبافش را تمام کند. مردان عشایر همگی با جذبه و تنومند بودند که این باعث حس امنیت برای خانواده‌هایشان می‌شد و کارهای بیرون از چادر را به عهده داشتند؛ مثل بردن گوسفندان به چراگاه و آوردن مواد غذایی و... زنان و مردان ایل به گفته خودشان بیشتر ازدواج فامیلی دارند و کم پیش می‌آید که با غریبه‌ها ازدواج کنند. آنها دوشادوش هم کار می‌کنند و زندگی‌شان همچون طبیعت بکر اطرافشان ساده و بی‌آلایش است و در سینه‌هاشان قلبی پاک چون آسمان صاف بالاسرشان می‌تپد و خون رگ‌هاشان همچون زلال چشمه‌ها جاری‌ست.

## عروسی قرمزی

لهورا آزادی‌فر

از وقتی آقا و خانم قورقوری صاحب بچه قورباغه‌ای قرمز شده بودند؛ کسی با آنها رفت‌وآمد نمی‌کرد و به آنها اهمیت چندانی نمی‌داد. به همین خاطر آنها در برکه‌ای دور تنها زندگی می‌کردند تا اینکه قرمزی بزرگ شد و می‌خواست ازدواج کند. آقای قورقوری برای دعوت کردن از فامیلش برای عروسی قرمزی به سمت برکه پایین کوه به راه افتاد. بعد از یک روز که در راه بود به برکه پایین کوه رسید و از دیدن فامیلش خوشحال شد و آنها را برای عروسی قرمزی دعوت کرد. تمام فامیل با آقای قورقوری حرکت کردند و به عروسی قرمزی رفتند. وقتی به آنجا رسیدند و دیدند که قرمزی هم مثل آنها یک قورباغه هست و فقط رنگش فرق می‌کند از رفتار گذشته‌شان پشیمان شدند و از خانواده آقای قورقوری به خاطر کم‌توجهی‌شان معذرت‌خواهی کردند و عروسی قرمزی با شادی برگزار شد.

## گنجشک‌های باغچه ما

رادین یوسفی

باران باریده بود و کرم کوچولو از زیرخاک بیرون آمده بود و داشت در باغچه بازی می‌کرد که یک‌دفعه گنجشک کوچولو که روی درخت نشسته بود او را دید، از بس گرسنه بود رفت و کرم را خورد. وقتی سیر شد رفت بالای درخت نشست. همان موقع یک گنجشک دیگر آمد روی شاخه نشست. آنها باهم دوست شدند، ازدواج کردند و لانه ساختند. چند تخم گذاشتند وقتی بچه‌هایشان به دنیا آمدند به آنها گفتند: باید زرنگ باشند تا بتوانند غذا پیدا کنند. آنها راز بیرون آمدن کرم‌ها را از باغچه بعد از باریدن باران به بچه‌هایشان گفتند.

## خط‌کش قدکوتاه

سورن شمسی

یک روز که محمد داشت مشق‌هایش را می‌نوشت خط کشش شکست. چون محمد دیگر نمی‌توانست با آن خط‌کش دفترش را خط‌کشی کند آن را در کشو کمدش گذاشت. خط‌کش که تنها مانده بود خیلی ناراحت بود چون دوست داشت با محمد به مدرسه برود و باز هم دفترها را خط‌کشی کند. یک روز محمد شانسی خط‌کش قدکوتاهش را در جامدادی‌اش گذاشت و به مدرسه برد. همان روز معلم‌شان گفت که چند خط کوتاه در دفترتان بکشید. محمد خط‌کشش را برداشت و در دفترش چند خط‌کشید. خط‌کش قدکوتاه از اینکه باز هم توانسته بود درکشیدن خط‌ها به محمد کمک کند خیلی خوشحال بود.

**منتظر داستان و اشعار شما هستیم**

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمائید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: **محمدرضا عسکری**

# اشتباهاتی که برخی افراد در دوران جوانی انجام می‌دهند

جوانی یکی از مهمترین مرحله های زندگی ماست. نشاط و شادی، توان، انرژی و زیبایی، بسیاری از جزئیات داستان های ما را رقم می‌زنند، به همین علت جوانان می باید این مرحله را به صورت موثر و متفاوت‌تری پر کنند.

خوشبختانه جوانی دوره ای است که می‌توان اشتباهات قبل را جبران کرد، ولی بعضی انتخاب ها هستند که احتمالاً نتوان به راحتی از پس جبران آن برآمد.

آن ها باید جوانی را سنگ بنای پیشرفت های خود در آینده قرار دهند و از انجام کارهای عجولانه و بدون توجه و بررسی پرهیز نمایند تا در زمان میان سالی و سالمندی پشیمان نشوند.

**ورزش نکردن مرتب**

هر چه قدر در جوانی صبح ها بیش تر و منظم تر ورزش کنید، سلامتی و توان بیشتری در موقع سالمندی خواهید داشت، و رنج ها و عارضه‌های ناشی از بیماری‌ها در شما کاهش می یابد.

**بیش از حد حرص آینده را خوردن**

پیش بینی این که در آینده شما چه خواهید شد یا چه مسیری را انتخاب خواهید کرد ساده نیست بدین ترتیب نگران ۵ سال دیگر خود نباشید و تلاش کنید روی هدف های کوتاه مدت خود تمرکز کنید.

بهتر است بجای نگرانی در مورد آینده، تمرکز خود را بر حال بگذارید. من در دهه ۲۰ زندگی خود فکر می کردم که باید هر چه سریع‌تر به تمام اهداف زندگی ام برسم و تنشی که این نحوه فکر به من منتقل می‌کرد، در تمام کارها نتیجه ای برعکس می داد. پس عجول نباشید و با آرامش قدم هایتان را بردارید.

یکی از درس هایی که سنین جوانی به آدم می دهد این است که آن لحظه ی جادویی که مدام انتظار داشتید فرا برسد تا حس کنید که به یک فرد بالغ و کامل تبدیل شده اید، هیچ وقت فرا نخواهد رسید.

مگر اینکه شب کریسمس امسال ماجرایی مانند مرحوم اسکروج برای‌تان اتفاق افتاده باشد، در غیر این صورت اندیشه کردن به ۵ سال آینده اصلاً فایده ای ندارد. آینده مدام در حال تغییر است و هیچ وقت آن چیزی نمی شود که ما انتظارش را داشتیم. بدین ترتیب بهترین کاری که می شود در قبال آن کرد این است که از فکر کردن بیش از حد به آن جلوگیری کنیم.

می‌خواهید برای سال های خیلی دور برنامه ریزی کنید؟ بیخیال ! هر چه قدر بیش تر در آینده غرق شوید بیشتر همین زمان حال که در آن زندگی می کنید را از دست می‌دهید.

هر آدم سالم دیگری هم برای خود و خانواده اش اهدافی را دنبال می کند ولی درصورتی که این هدفمندی منجر به وارد کردن استرس بخود شود، از سم سیانور هم مهلک تر است. با زمان پیش بروید و زندگی تان را زهرمار نکنید.

**حرام کردن تفریح به خودتان**

اگر چه پول خوشی می آورد ولی برای موفقیت کافی نیست. اگر تمام عمر خود را به جای آرزو و علاقمندی هایتان به دنبال پول باشید، در آینده ای نه چندان دور پشیمانی به سراغ تان می‌آید.

نکته پایان این‌که افرادی که ۳۰ سالگی موفقی را پشت سر می گذرانند خوشگذرانی را تعطیل نمی‌کنند. اینکه چون ۲۰ سالگی تمام شده علت نمی شود که یک فرد بخواهد ادامه ی عمرش را مانند راهبان بودایی زندگی کند. مایکل دوریان باخ نوشته که بیشتر عمرش در ۳۰ سالگی برای پول درآوردن گذشت و هر چه بیشتر پول در می آورد غمگین‌تر بود.

**به سایرین اجازه می دهید تا برای شما تصمیم بگیرند**

زمانی که در دوراهی قرار می گیرید و قدرت تصمیم‌گیری ندارید، به سایرین اجازه می دهید تا راه شما را انتخاب کنند ولی این را بدانید که شما بیش از هر فرد دیگری به صلاح زندگی خود آگاهید پس برای مسیر زندگی تان خود تصمیم بگیرید.

**تحصیلات و استعداد برای موفقیت کافی است**

اگر چه استعداد ذاتی، توانایی بالا و فارغ التحصیل شدن از معتبرترین دانشگاه‌های دنیا خوب است؛ ولی برای موفقیت کافی نیست و شغل آینده شما را ضمانت نمی‌کند. «من دهه بیست زندگی ام را در محیط‌های کاری زیادی گذراندم و به این نتیجه رسیدم که پشتکار و اراده، ثبات قدم، تلاش و انرژی فراوان شغل من را تعریف می‌کنند و موفقیت بدون اینها مقدور نیست.» پس باتوجه به علاقه خود جلو بروید و تخصص های لازم برای شغل آینده تان را کسب کنید.

**به فکر پس‌انداز پول نیستید**

تحقیقی نشان داده ۶۹٪ افرادی که در سن ۱۸ تا ۲۹ سالگی به سر می‌برند، تا کنون هیچ پس‌اندازی برای زمان بازنشستگی خود نداشته‌اند. احتمالاً زمان بازنشستگی به نظرتان دور آید؛ ولی درصورتی که به اهمیت پس‌انداز در این زمان پی نبرید، ضررهای زیادی در آینده بخود خواهید رساند. پس تلاش کنید آینده نگر باشید و مدام به فکر پس‌انداز پول برای آینده باشید.

**فکر می کنید که استعداد برای رسیدن به موفقیت کافی است**

یکی دیگر از اشتباهاتی که جوان تر ها مرتکب می شوند این است که استعداد بالفطره یا IQ بالا را برای رسیدن به موفقیت، کافی می دانند. اگر چه این دو عامل برای رسیدن به موفقیت لازم است، ولی کافی نیست. آیا این جمله مشهور را شنیده اید: «چنانچه شخصی استعداد نداشته باشد، ولی سختکوش باشد، حتماً موفق خواهد شد، ولی یک فرد با استعدادی که سختکوش نیست، شانسی برای رسیدن به موفقیت ندارد.»

**آگهی حصر وراثت**

خانم هایده زرین کمر فرزند مندنی به شرح درخواستی که به کلاسه ۹۸۰۳۷۳ ش ۴ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی انحصار وراثت نموده و اعلام داشته که مرحوم کاظم جهانتاب فرزند قاسم به شماره ملی ۲۳۶۰۳۵۹۱۲۶ – ۱۳۷۳ کازرون صادره از کازرون در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ در اقامتگاه دایمی خود شهرستان کازرون فوت نموده وراث حین الفوت وی عبارتند از: ۱- قاسم جهانتاب به شماره ملی ۲۳۷۰۴۰۰۰۰۵ – ۱۳۴۸ کازرون پدر متوفی ۲- هایده زرین کمر به شماره ملی ۲۳۷۰۴۱۱۱۰۴ – ۱۳۵۱ کازرون مادر متوفی ولاغیر
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۲۸۲/ م الف ۸/۴۲۴

**زمانی بخش – رییس شعبه چهارم شورای حل اختلاف کازرون**

**آگهی مزایده اموال غیرمنقول نوبت دوم**

اجرای احکام حقوقی دادگاه عمومی چنارشاهیجان به موجب محتویات پرونده ۹۷۰۱۶۳ اجرایی این واحد اجرا محکوم له خانم فاطمه محمدی فرزند پرویز به طرفیت شهرام ترک کشکولی باستناد به قانون اجرای احکام مدنی راجع به فروش اموال غیرمنقول ششدانگ یک واحد دامداری واقع در قائمیه کوهپیرایه که برابر سند قطعی شماره ۴۷۸۹ دفترخانه شماره ۲۵۴ کازرون موازی ۸/۶ سهم مشاع از ۴۸/۸۶ سهم مشاع به استثنای ثمن اعیانی ۴۸/۵۴/۳۳ سهم مشاع از ۴۸/۲۶۷۰/۴۵ سهم از ۲۵ سهم از ۴۸ سهم سهام ششدانگ پلاک ۵۹ قطعه سه بخش ۷ فارس تحت مالکیت شهرام ترک کشکولی که عرصه ملک موصوف به مساحت ۳۰۰ مترمربع و ۴۹۰ مترمربع اعیانی دارد و دارای درب و دیوار بلوکی است لذا ارزش ششدانگ به مبلغ دومیلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون ریال با حفظ حقوق اوقاف می باشد. مبادرت به مزایده اموال مینماید. لذا بدینوسیله به اطلاع عموم میرساند کسانیکه مایل به خرید باشند روز پنجشنبه مورخه ۱۳۹۸/۵/۳ ساعت ۱۲ در این اجرا حاضر و قیمتهای پیشنهادی خود را ارایه نمایند. قیمت پایه فروش صد و پانزده میلیون و ششصد و بیست و سه هزار تومان محکوم به با احتساب خسارات و نیم عشر دولت و بازداشت کننده مقدم و چون باید به میزان محکوم به میباشد لذا نسبت به ۱۱۵۶۲۳ سهم مشاع از ۲۸۵۰۰۰ سهم مشاع ۸/۶ سهم از ۴۸/۸۶ سهم مشاع به استثنا ۴۸/۵۴/۳۳ سهم مشاع از ۴۸/۲۶۷۰/۴۵ سهم از ۲۵ از ۴۸ سهم سهام ششدانگ پلاک مذکور باید از طریق دفاتر اسناد رسمی انتقال تنظیم گردد. ضمنا ملک دارای بازداشت مقدم است و بدون حق ارتفاق و حق رهن میباشد. شخصی که بالاترین قیمت پیشنهادی را ارایه نماید برنده مزایده خواهد بود و موظف به پرداخت ده درصد قیمت پیشنهادی درجلسه مزایده خواهد بود. مزایده با حضور نماینده محترم دادستان و دادورز دادگاه برگزار خواهد شد و متقاضیان میتوانند پنج روز قبل از برگزاری مزایده جهت اطلاع بیشتر و در صورت لزوم مشاهده مال مذکور به این واحد مراجعه نمایند. هزینه های نقل و انتقال نیز برعهده خریدار میباشد. این آگهی به موجب ماده ۱۲۳ قانون اجرای احکام مدنی برای یک نوبت در محل وقوع ملک الصاق میگردد.
۸/۴۲۰ ۲۷۵/م الف

**رستمی–**
**قاضی اجرای احکام مدنی دادگاه عمومی بخش چنارشاهیجان**

**آگهی فقدان سند مالکیت بخش ۴ شیراز**

خانم لیلا باسعادت بنمایندگی از بانک ملت شعبه چمران شیراز برابر معرفی نامه ۳۹۱۱۵/۲۶-۹۸/۰۱/۲۸ با تسلیم دو برگ استشهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۵۰ شیراز تنظیم گردیده است مدعی است که تعداد ۱ برگ سند مالکیت مربوط به ششدانگ پلاک ۱۵۱/۱۵۰۸۴ واقع در بخش چهار شیراز که در دفتر ۱۳۹۵۲۰۳۱۱۰۰۱۰۲۰۶۰۳ املاک به نام بانک ملت شعبه چمران شیراز ثبت و سند مالکیت بشماره چاپی ۹۴د۷۰۲۳۲۵ صادر و در رهن نیست به علت جابجایی مفقود گردیده است و نامبرده تقاضای صدور سند المثنی سند مالکیت نموده است مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی می شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معاملهای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسیده و یا در صورت اعتراض اصل سند ارایه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۳۳۰۲/م الف ۳۱۰۰۷/۱۹۰۸۶۵

**حمید کشاورز– رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز**

**آگهی حصر وراثت**

آقای محمدحسین نجفی به شماره ملی ۵۴۷۹۸۰۵۷۹۷ به استناد شهادتنامه و گواهی فوت و فتوکپی شناسنامه ورثه درخواستی به شماره ۹۸/۲۳۱ تقدیم این دادگاه نموده و چنین اشعار داشته که شادروان حجت اله نجفی فرزند بهرامعلی با کدملی ۲۳۷۰۹۱۶۴۹۴ – ۱۳۰۹ در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲۸ در اقامتگاه دایمی خود درگذشته و ورثه حین الفوت وی عبارتند از: ۱- نسبر نجفی ش ملی ۲۳۷۰۹۱۷۴۹۰ – ۱۳۱۰ صادره از حوزه کازرون همسر متوفی ۲- محمدابراهیم نجفی ش ملی ۲۳۷۰۹۱۸۴۰۳ – ۱۳۴۴ صادره از حوزه کازرون پسر متوفی ۳- محمداسماعیل نجفی ش ملی ۵۴۷۹۷۹۱۸۳۴ – ۱۳۴۶ صادره از حوزه کازرون پسر متوفی ۴- محمدکریم نجفی ش ملی ۵۴۷۹۸۰۵۷۴۶ – ۱۳۵۶ صادره از حوزه کازرون پسر متوفی ۵- محمدحسین نجفی ش ملی ۵۴۷۹۸۰۵۷۹۷ – ۱۳۵۹ صادره از حوزه کازرون پسر متوفی ۶- پوران نجفی ش ملی ۲۳۷۰۹۱۹۳۳۷ – ۱۳۳۸ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی ۷- شهربانو نجفی ش ملی ۲۳۷۰۹۱۸۹۱۸ – ۱۳۴۸ صادره از حوزه کازرون دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۲۸۰/ م الف ۸/۴۲۳

**قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف قائمیه**

**آگهی حصر وراثت**

خانم منیژه خواجه دارای شناسنامه شماره ۱۸۴ به شرح دادخواست به کلاسه یک سیار از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان صمد جوکار به شماره شناسنامه ۱۸۰ در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۶ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت وی عبارتند از: ۱- منیژه خواجه فرزند خداکرم به شماره شناسنامه ۱۸۴ همسر متوفی ۲- محمد جوکار فرزند صمد به شماره شناسنامه ۵۴۷۰۰۸۱۰۳۶ فرزند متوفی ۳- رضا جوکار فرزند صمد به شماره شناسنامه ۵۴۷۰۰۲۹۶۳۸ فرزند متوفی ۴- سحر جوکار فرزند صمد به شماره شناسنامه ۵۴۷۰۰۴۸۰۳۹ فرزند متوفی ۵- یداله جوکار فرزند فتح اله به شماره شناسنامه ۱۰۳۸ پدر متوفی ۶- احترام بهادری فرزند علی به شماره شناسنامه ۲۹۶ مادر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۲۸۱/ م الف ۸/۴۲۲

**علی اصغر شریعت–**
**رییس شورای حل اختلاف کنارتخته**

**آگهی احضار**

نظر به اینکه آقای اردشیر پوربهروزیان بموجب پرونده کلاسه ۹۷۰۹۳۵ شعبه ۲ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب کنگان، حسب شکایت خسرو مزارعی متهم به سرقت تعزیری می باشد. لذا با تجویز ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می گردد تا ظرف یکماه پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به این شعبه مراجعه و ضمن اعلام نشانی دقیق خود جهت رسیدگی به اتهام وارده حاضر گردیده و ازخود دفاع نماید. در صورت عدم حضور تصمیم متقضی اتخاذ خواهد شد. ۱۹۶/م الف ۳۱۰۱۱

**احمد بحرانی–**
**مدیردفتر شعبه ۲ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب کنگان**